

ریخت شناسی منظومه عاشقانه ویس و رامین بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ

فاطمه کرامتی^۱، علی تسنیمی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات تطبیقی دانشگاه حکیم سبزواری (مسئول مکاتبات)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)

نام نویسنده مسئول:

علی تسنیمی

چکیده:

تحلیل ساختاری به ویژه در آثار روایی، یکی از شگفت‌ترین دستاوردهای نقد ادبی معاصر است. ولادیمیر پراپ، فولکلورشناس روسی، برای تجزیه و تحلیل قصه‌های پریان، الگویی را پیشنهاد کرده و معتقد است می‌توان این الگو را در مورد سایر قصه‌ها نیز به کار برد. اساس کار وی بر پایه اعمال شخصیت‌های قصه نهاده شده است و در سال‌های اخیر، یکی از شیوه‌های رایج در تحلیل ساختاری قصه‌ها بوده است. داستان‌های عاشقانه نیز با ساختار به خصوصی که دارند می‌توانند با الگوی پراپ مورد بررسی قرار بگیرند. نوشته حاضر با الهام گرفتن از شیوه و الگوی پراپ، سعی در طبقه بندی داستان ویس و رامین، یکی از داستان‌های عاشقانه ادبیات فارسی دارد. هدف این مقاله اثبات الگوی ریخت شناسی پراپ در این داستان عاشقانه است و با بررسی‌های انجام شده این نتیجه حاصل شد که این داستان با نظریه ریخت شناسی پراپ مطابقت دارد.

واژه های کلیدی: ساختار، خویشکاری، ریخت شناسی، پراپ، ویس و رامین

۱-۱- مقدمه

تا اوایل قرن بیستم اغلب نوشته‌هایی که در چارچوب مطالعات ادبی قرار داشتند، منظر، روش و ابزار بررسی خود را از متن جست و جو می‌کردند، ولی پیدایش مکتب فرمالیسم روسی، نوعی دگرگونی جدید روش‌شناسی را رقم زد. ساختارگرایی یکی از مهم‌ترین جنبش‌های فرمالیستی (formalist) است که در اصل از اندیشه‌های زبان‌شناس سوئیسی، فردینان دوسوسور (Ferdinand de Saussure) سرچشمه می‌گیرد و نقش مهمی در تجزیه و تحلیل آثار ادبی ایفا کرده است. منتقد در این شیوه بی‌آنکه به زندگی مؤلف و باورهای او و نکاتی از این قبیل توجه کند، صرفاً به ارزیابی ویژگی روایت‌مندی و توصیف سازه‌های روایی می‌پردازد و پس از کشف و معرفی کوچک‌ترین واحدهای ساختاری، روابط متقابل میان این واحدها و چگونگی ترکیب آن‌ها را بررسی می‌کند و با تجزیه و تحلیل ساختاری، روشی تجربی بر مبنای آزمون ارائه می‌دهد که می‌توان صحت آن را امتحان کرد.

فرمالیست‌ها اثر ادبی را شکل (فرم) محض می‌دانستند و معتقد بودند که در بررسی اثر ادبی، باید تکیه بر فرم باشد نه بر محتوا. به نظر فرمالیست‌های روسی، «کار مطالعه یک اثر ادبی، کشف قوانین درونی اثر از راه شناخت و مناسبات عناصر زنده آن است» (خراسانی، ۱۳۸۳: ۹). فرمالیست‌ها یا صورت‌گرایان از نخستین کسانی بودند که به مطالعه روایت و ساختارهای روایی پرداختند. آنها در صدد کشف قواعد و فرمول‌هایی بودند تا ساختار داستان‌ها را بر اساس آن بررسی نمایند و به ادبیات به صورت علمی توجه کنند.

بعد از فرمالیست‌ها ساختارگرایان بیشترین توجه خود را به روایت معطوف کردند و به پژوهش‌های گسترده‌ای دست زدند. ساختارگرایی در بررسی داستان شناختی انقلاب بزرگی پدید آورد. بنیان‌گذاری علم ادبی کاملاً جدیدی به نام «روایت‌شناسی» (narratology)، یکی از محصولات اساسی این انقلاب بود. **گریماس (A.J. Greimas)**، **تزوتان تودوروف (Tzvetan Todorof)**، **ژرار ژنت (Gerard Genette)**، **کلود برموند (Claude Bermond)** و **رولان بارت (Roland Barthes)** از چهره‌های نامدار آن به شمار می‌روند. (رک: هارلند، ۱۳۸۸: ۳۶۳) یکی از بهترین طبقه‌بندی‌های ساختاری آثار روایی را ولادیمیر پراپ ابداع کرده و عقاید خود درباره روایت را در کتاب معروفش، *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان* بیان کرد. «در حقیقت نگارش کتاب مذکور، سرآغاز بررسی‌های ساختاری دیگر در باب داستان و روایت است» (فخیمی فاریابی، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

۱-۲- بیان مسئله

یکی از رویکردهای معاصر نقد ادبی، ریخت‌شناسی و روایت‌شناسی است که از زیر شاخه‌های ساختارگرایی به شمار می‌روند. «ساختارگرایی یکی از مهم‌ترین جنبش‌های فرمالیستی است که در دهه‌های اخیر نقش مهمی در تجزیه و تحلیل آثار ادبی ایفا کرده است» (مختاری، ۱۳۹۶: ۱۸۵-۱۸۴). ریشه ساختارگرایی به فرمالیسم، مکتب پراگ، نئو فرمالیسم و فوتوریسم می‌رسد. «ساختارگرایی، شیوه و روشی است که می‌گوید هر جزء یا پدیده در ارتباط با یک کل بررسی می‌شود» (ناصری، ۱۳۹۵: ۱۷۲) یعنی هر پدیده، جزئی از یک ساختار کلی است و عناصر و اجزا جزئی از ساختار به حساب می‌آیند.

ریخت‌شناسی داستان‌ها از زیباترین و کامل‌ترین شیوه‌های نقد ادبی به شمار می‌رود. «ریخت‌شناسی، بررسی ساختاری اثر ادبی است که ولادیمیر پراپ با التفات به رهیافت‌های شکل‌گرایانه آن را ارائه کرد و با تحلیل صد افسانه جادویی روسی، نمونه‌ای عملی از آن به دست داد. بر اساس نظریه پراپ، افسانه‌های جادویی با وجود تفاوت‌ها، در ساختار و اصول بنیادین اشتراک دارند و اساس کار ریخت‌شناسی بر این است که این محورهای بنیادین و مشترک را بازابد» (گرچی، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

ولادیمیر پراپ، یکی از روایت‌شناسان است که برای تجزیه و تحلیل روایت‌ها از تحلیل زبان شناختی ساختارگرا استفاده کرده است. همواره مهم‌ترین دغدغه او تقسیم بندی قصه‌ها بود. پیش از او پژوهشگران، قصه‌ها را بر مبنای موضوع یا درون مایه طبقه بندی می‌کردند، اما پراپ به دنبال تحلیل ساخت گرایانه قصه‌ها بود. (رک: مارتین، ۱۳۹۱: ۶۵) پراپ در کتاب *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*، قصه‌ها را بر اساس اجزای سازه‌ای آن‌ها و روابط متقابل این سازه‌ها با یکدیگر و با کل قصه تحلیل می‌کند. وی تجزیه تحلیل قصه‌ها و بررسی روابط متقابل واحدها و الگوهای ساختمانی، برای کوچک‌ترین واحد ساختاری قصه‌ها را کارکرد یا خویشکاری (function) می‌نامد. «خویشکاری یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود» (پراپ، ۱۳۶۸: ۵۳). از آنجایی که ساختارگرایی در مطالعه متون و ادبیات داستانی، درصدد کشف زبان روایت و نظام حاکم بر ساختار متن است. «هدف پراپ از مطالعه در قصه‌های پریان، دست یافتن به دستور زبان روایت بود» (مختاری، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

«روایت، بیان داستانی در قالب ساختاری مشخص است که در آن رخدادی به طور مقطعی به تصویر کشیده می‌شود» (اشرفی، ۱۳۹۳: ۲۶) با وجود تعاریف مختلف از روایت، سرآغاز روایت شناسی، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان ولادیمیر پراپ است. با وجود تفاوت، این تعاریف ناظر بر یک ویژگی مشترک‌اند و آن تلاش برای دستیابی به الگویی خاص برای روایت است (رک: مختاری، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

پراپ در بررسی افسانه‌های جادویی به این نتیجه رسید که شخصیت‌های قصه مختلف هستند، ولی عملکردهایی که دارند، محدود است (رک: عدل پرور، ۱۳۹۵: ۵۲). با تحلیل و بررسی روایت‌های کهن منظوم و منثور بر اساس نظریه‌های نقد ادبی جدید، می‌توان به شناخت قواعد و ضوابط معینی دست یافت که نویسنده، روایت خود را بر آن بنیاد نهاده است. «ریخت شناسی قصه‌های پراپ را می‌توان نقطه حرکت مفیدی برای بررسی‌هایی دانست که هدف آن‌ها، شناخت تیپ‌ها با نوع‌های محلی است» (استاجی و رمشکی، ۱۳۹۲: ۳۸) از این رو در این مقاله سعی بر این است که الگوهای ریخت شناسی پراپ در داستان عاشقانه ویس و رامین **فخرالدین اسعد گرگانی** مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم گردد نظریه پراپ تا چه اندازه با آن منطبق است.

۱-۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، روش توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش تجزیه و تحلیل آماری بر اساس روش کیفی استوار شده است و روش استدلالی در این پژوهش، از نوع روش استقرایی می‌باشد.

۱-۴- اهداف پژوهش

۱. رده بندی علمی داستان عاشقانه ویس و رامین بر اساس ریخت شناسی پراپ.
۲. دست یابی به ساختار کلی و نمودار ریخت شناسی در داستان ویس و رامین.
۳. بررسی چگونگی تطبیق یا عدم تطبیق ساختار داستان ویس و رامین با الگوی ریخت شناسی پراپ.

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش

۱. داستان ویس و رامین، بر اصول کلی بنا شده است که با استفاده از نظریه ریخت شناسی پراپ، قابل استخراج و طبقه بندی است.
۲. اجزا، شخصیت‌ها و عملکردها در داستان ویس و رامین، از قواعد کلی مورد اشاره پراپ پیروی می‌کند.
۳. داستان ویس و رامین با الگوی ریخت شناسی پراپ قابل انطباق است.

۱-۶- پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر، اولین نگاه ریخت شناسانه به داستان عاشقانه ویس و رامین است ولی تا کنون پژوهش‌هایی در زمینه ریخت شناسی داستان‌های مختلف بر اساس نظریه پراپ انجام شده است، از جمله:

استاجی و رمشکی (۱۳۹۲) به تحلیل ریخت‌شناسی «داستان سیاوش» پرداخته‌اند، عدل پرور و فرضی (۱۳۹۵) خویشکاری‌های منظومه «همای و همایون» را بررسی کرده‌اند، قربانی و گورک (۱۳۹۲) داستان «زال و رودابه»، «بهرام گور و اسپینود»، «گشتاسب و کتایون» را از نظر ریخت شناسی بررسی کرده‌اند. روحانی و عنایتی (۱۳۸۸) به بررسی ریخت شناسی داستان «بیژن و منیژه» پرداخته‌اند. اشرفی (۱۳۹۳) خویشکاری‌ها و شخصیت‌های «داستان حضرت سلیمان» را بررسی کرده‌است. ناصری (۱۳۹۵) در زمینه تحلیل ریخت شناسی «لیلی و مجنون» تحقیق کرده‌است. خدیش (۱۳۸۷) به ریخت شناسی «افسانه‌های جادویی» پرداخته است. ذوالفقاری (۱۳۸۹) افسانه «گل بکاولی» را ریخت شناسی کرده. فرضی و فخیمی (۱۳۹۶) منظومه «گل و نوروز» خواجوی کرمانی را از نظر ریخت شناسی بررسی کرده‌اند.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- روایت شناسی - ریخت شناسی

تجزیه و تحلیل ساختاری یکی از شگفت‌انگیزترین دستاوردهای نقد ادبی است. یکی از زمینه‌های موفقیت ساختارگرایی، روایت‌شناسی است. «روایت، معادل واژه narrative انگلیسی است؛ ریشه آن narre یا narrara لاتین و Gnarus یونانی به معنی دانش و شناخت است که خود آن از ریشه Gna هندواروپایی است؛ از این رو به معنی یافتن دانش است» (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۷۶). روایت نوعی از کلام و سخن است که رویداد یا رویدادهایی را بیان می‌کند؛ از این رو آثار غیر داستانی را نیز در بر می‌گیرد، اما در روایت شناسی ادبی، روایت شکل‌های داستانی مانند داستان کوتاه، داستان بلند، رمان، افسانه، قصه‌های جن و پری و رمانس را دربرمی‌گیرد. ساختار، یعنی نظام. در هر نظام، همه اجزا با هم در ارتباط هستند به همین جهت، کل نظام، بدون درک کارکرد اجزا درک نمی‌شود؛ پس ساخت‌گرایی را می‌توانیم یک شیوه درک و توضیح بدانیم (رک: گلدمن: ۱۳۶۹: ۹). ساختارگرایان همواره بر آن بودند که به الگوهای روایتی مشخص دست‌یابند. در این زمینه پژوهش‌های مختلفی انجام شده و با وجود اینکه شناخت دگرگونی‌های طرح قصه‌های فولکوریک را مدیون پژوهشگری آلمانی به نام آلبرت ولسکی هستیم که در پراگ می‌زیست، اما همان‌طور که بابک احمدی هم در کتاب *ساختار و تأویل متن خود بیان می‌کند: «مهم‌ترین پژوهشی که در این زمینه ارائه شده کار ولادیمیر پراپ است»* (احمدی: ۱۳۸۲: ۱۴۴).

واژه ریخت شناسی یا هیئت شناسی معادل واژه انگلیسی morphology است، یعنی بررسی و شناخت ریخت‌ها. مواد مورد مطالعه ریخت شناسی قصه‌ها، همان اجزای سازنده و روابط آن‌ها با هم و با کل ساختار است. اولین گام در این زمینه، تعیین و شناخت واحدهای ساختاری و چگونگی ترکیب آن‌هاست و دانش مورد نیاز در آن نیز در درجه اول، زبان شناسی ساختاری است (قافله باشی، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

فریدون بدره‌ای، مترجم کتاب *ریخت شناسی قصه‌های پریان*، در پیشگفتار آن می‌گوید: «اندیشه اساسی در کتاب *ریخت شناسی قصه‌های عامیانه* آن است که کثرت بیش از اندازه جزئیات قصه‌های پریان روسی قابل تقلیل به یک طرح واحد است و عناصر این طرح که تعدادشان سی و یک تا بیشتر نیست، همیشه یکی هستند و همیشه با نظم خاصی از پی یکدیگر می‌آیند. و بالأخره اینکه تنها هفت شخصیت مختلف در این قصه‌ها ظهور و بروز دارند» (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۹). به عبارتی دیگر پراپ در کتاب *ریخت شناسی قصه‌های پریان*، کوشید تا نشان دهد که چگونه صد قصه متفاوت، یک داستان بنیادی واحد هستند.

۲-۲- تحلیل داستان بر اساس نظریه پراپ

«خویشکاری» یا کارکرد یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نظر اهمیتی که در جریان عملیات دارد تعریف می‌شود (رک: پراپ، ۱۳۸۶: ۵۲). قبل از تجزیه متن ضروری است به روش تحلیل ساختاری و کارکردهای سی و یک گانه پراپ اشاره کنیم و سپس به تجزیه متن بپردازیم. به نظر پراپ، کارکردهای قصه‌های بررسی شده روسی عبارتند از:

۱	وضعیت آغازین(α)	مثلا اعضای خانواده‌ای نام برده می‌شوند و یا قهرمان معرفی می‌شود (با اینکه کارکرد نیست؛ اما عنصر مهمی در ریخت شناسی به شمار می‌رود).
۲	غیبت(β)	یکی از شخصیت‌های قصه، غیبت می‌کند.
۳	نهی(γ)	قهرمان قصه از کاری نهی می‌شود.
۴	نقض نهی(δ)	انجام دادن همان کاری که قهرمان از آن نهی شده بود.
۵	خبرگیری شری(ε)	شریر به جستجوی اخبار می‌پردازد.
۶	کسب خبر(ξ)	شریر اطلاعات لازم را به دست می‌آورد.
۷	فریبکاری(η)	شریر می‌کوشد تا قربانیش را بفریبد.
۸	شرارت(A)	شریر به قهرمان یا فرد مورد نظرش صدمه می‌زند و به هدفش می‌رسد.
۹	میانجی‌گری(B)	میانجی‌گر، همان یاریگر است که به قهرمان کمک می‌رساند.
۱۰	مقابله اولیه(C)	قهرمان موافقت می‌کند یا تصمیم می‌گیرد که به مقابله بپردازد.
۱۱	عزیمت(↑)	عزیمت قهرمان جستجوگر، که هدف او فقط جستجو است یا عزیمت قهرمان قربانی که در مقابل حوادث و رویدادهای مختلف قرار می‌گیرد.
۱۲	اولین کارکرد بخشنده(D)	قهرمان از او عامل جادویی دریافت می‌کند.
۱۳	واکنش قهرمان(E)	قهرمان در برابر کارهای بخشنده، واکنش نشان می‌دهد.
۱۴	دریافت عامل جادویی(F)	قهرمان اختیار استفاده از عامل جادویی را بدست می‌آورد.
۱۵	انتقال مکانی(G)	قهرمان به سرزمین یا شهر دیگری می‌رود.
۱۶	مبارزه(H)	قهرمان به مبارزه می‌پردازد، می‌تواند حتی به‌صورت گفتگو باشد.
۱۷	داغ گذاشتن(I)	قهرمان هنگام کشمکش زخمی می‌شود.
۱۸	پیروزی(I)	قهرمان، شریر را شکست می‌دهد.
۱۹	رفع مشکل(K)	بدبختی و مصیبت یا کمبود آغاز قصه رفع می‌شود.
۲۰	بازگشت(↓)	قهرمان پس از دریافت عامل جادویی و رسیدن به هدف، به جایگاه یا وضعیت اولیه خود برمی‌گردد.
۲۱	تعقیب(P ۲)	تعقیب کننده به دنبال قهرمان می‌رود.
۲۲	نجات(R8)	قهرمان از شر تعقیب کننده رها می‌شود.
۲۳	ورود به طور ناشناس(O)	قهرمان ناشناخته به شهر یا سرزمین دیگر می‌رود.
۲۴	ادعاهای بی پایه(L)	شریر ادعای انجام کاری می‌کند که توان انجامش را ندارد.
۲۵	کار دشوار(M)	کاری دشوار از قهرمان خواسته می‌شود.
۲۶	انجام کار دشوار(N)	قهرمان، کار دشوار را پشت سر می‌گذارد.
۲۷	شناخته شدن(Q)	قهرمان از روی علامتی یا داغی شناخته می‌شود.
۲۸	رسوایی شری(EX)	شریر، رسوا می‌شود.
۲۹	تغییر شکل(T)	قهرمان، شکل و ظاهری جدید پیدا می‌کند.
۳۰	مجازات(U)	شریر به جزای اعمال خود می‌رسد.
۳۱	عروسی و نشستن بر تخت پادشاهی یا هرگونه سود مادی و پاداش دیگر(W)	قهرمان با شاهزاده خانم ازدواج می‌کند و بر تخت پادشاهی می‌نشیند یا به پاداشی می‌رسد، ممکن است هدف قهرمان، فقط یاری و نجات شخصی باشد.

۲-۲-۱- حرکت در قصه

همان طور که پراپ گفته است؛ هر قصه، ممکن است چندین حرکت داشته باشد. گاهی یک حرکت ممکن است مستقیماً به دنبال حرکت دیگر بیاید یا حرکت‌ها در هم بافته شوند. جداکردن حرکت‌ها، کار آسانی نیست. هر شر یا کمبودی که در قصه روی می‌دهد یک حرکت جدید آغاز می‌شود. متن می‌تواند چند حرکت داشته باشد و تجزیه متن، مستلزم تعیین تعداد حرکت‌ها در قصه است. بسط حرکت‌ها همیشه به طور متوالی رخ نمی‌دهد و ممکن است متداخل باشد یعنی چند حرکت با هم آغاز شود یا یکی متوقف شود و دیگری ادامه پیدا کند. (رک: پراپ، ۱۳۸۶: ۱۸۶-۱۸۴؛ به نقل از روحانی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). پراپ، حرکت داستان‌ها را بر اساس بسط و گسترش آن‌ها به چهار رده تقسیم می‌کند: ۱. بسط از طریق خویشکاری $H-I$ (جنگ و کشمکش)؛ ۲. بسط از طریق خویشکاری $M-N$ (انجام دادن کار دشوار)؛ ۳. بسط از طریق خویشکاری $M-N$ و $H-I$ (کشمکش و کار دشوار)؛ ۴. بسط بدون هیچ یک از این‌ها (پراپ، ۱۳۶۸: ۲۰۶-۲۰۴).

۲-۳- معرفی داستان ویس و رامین

«ویس و رامین منظومه‌ای است از فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم و از داستان‌سرایان بزرگ ایرانی و معاصر و مداح امیرابوطالب طغرل بیگ سلجوقی (۴۵۵-۴۲۹) که بر دانش‌های زمان و ادب عرب و زبان پهلوی آگاهی داشته است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۹۴۱) شاعر در میان سال‌های ۴۳۲ و ۴۴۶ هـ. ق این داستان را که از داستان‌های دوره اشکانیان است به دستور خواجه عمید ابوالفتح مظفر بن محمد نیشابوری، به بحر هزج مسدس مقصور (محذوف): مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن به نظم کشیده است (رک: گرگانی، ۱۳۸۱: ۱۱ و ۷). درباره پیشینه این داستان بررسی‌های گسترده‌ای صورت گرفته است و اغلب محققانی که این منظومه را بررسی کرده‌اند از جمله: فروزانفر، صادق هدایت و دیگران، متذکر قدمت و کهنگی اصل آن شده‌اند. مجتبی مینوی به دو دلیل اصل داستان ویس و رامین را مربوط به قبل از اسلام می‌داند؛ از جمله: ۱. ازدواج محارم ۲. اشارات تاریخی و صریح شاعر (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۹۴۱).

ویس و رامین داستان عاشقانه‌ای از روزگار اشکانیان است که در اصل به زبان پهلوی بوده است. مینورسکی در پژوهش‌های دقیق و عالمانه خود با توجه به محیط جغرافیایی، شخصیت‌های داستانی، تشکیلات حکومتی و مناصب، ترتیب جنگ و ستیزها و روابط اجتماعی، زمان داستان را به دوره اشکانیان و برابر با زمان پادشاهی گودرز دوم؛ یعنی ز سال ۳۹ تا ۵۱ میلادی مربوط می‌داند و تردیدی باقی نمی‌گذارد که منبع اصلی پردازش روایت پهلوی ویس و رامین، افسانه‌ای متعلق به دوره اشکانی است و در زمان‌های بعدی از پارتی به پهلوی نقل شده است و مدت‌ها سینه به سینه به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده تا سرانجام در قرن پنجم فخرالدین اسعد گرگانی به نظم آن همت گمارد (رک: همان:). خلاصه این داستان چنین است:

موبد منیکان، پادشاه مرو، در جشن بهار با زنی زیبارو از اهالی ماه‌آباد دیدار کرد و عاشق او شد و از او خواستگاری کرد اما شهرو به او جواب رد داد و به او قول داد که اگر روزی صاحب دختری شد او را به موبد بدهد. چند سال بعد شهرو صاحب دختری به نام ویس شد. هنگامی که ویس بزرگ شد، شهرو چون کسی را شایسته دخترش نمی‌دانست او را به برادرش ویرو داد. در شب عروسی آن‌ها شاه موبد برادر ناتنی‌اش، زرد را به ماه‌آباد فرستاد تا ویس را به مرو بیاورد اما شهرو از دادن ویس سرباز زد و شاه موبد به آنجا لشکر کشید و در این جنگ قارن، پدر ویس کشته شد و ابتدا ویرو پیروز شد اما در حمله‌ای دیگر شکست خورد و ویس را به مرو بردند. رامین، برادر شاه موبد، به دستور برادرش، کجاوه ویس را همراهی می‌کرد که ناگهان باد پرده‌ی عماری او را کنار زد و چشم رامین به ویس افتاد و عاشق او شد. ویس از ازدواجش با شاه موبد ناراحت بود به همین دلیل شهرو دایه‌اش را به نزد او فرستاد تا او را آرام کند. رامین، دایه را از عشق خود باخبر کرد تا به ویس اطلاع دهد. دایه به رامین هشدار داد که ویس را فراموش کند ولی پافشاری رامین باعث شد دایه با ویس در مورد او صحبت کند و در باغ، رامین را به ویس نشان داد و ویس هم عاشق او شد و از آن پس هرگاه شاه موبد نبود پنهانی با هم رابطه داشتند. هنگامی که راز این عشق، برملا شد شاه موبد خشمگین گشت و به آزار و اذیت آن‌ها پرداخت و آن دو را از هم دور کرد. رامین به گوراب رفت و برای از فراموش کردن یاد و خاطره عشق ویس، با دختری به نام گل ازدواج کرد. مدتی پس از ازدواج رامین با گل روزی به صورت اتفاقی با دیدن دسته گلی از گل‌های بنفشه، به یاد عشق ویس افتاد چرا که در اولین دیدارشان ویس به او گفته بود که هر زمان دسته گلی از گل‌های بنفشه دیدی مرا به یاد بیاور. این اتفاق باعث شد باری دیگر آتش عشق ویس در دلش شعله‌ور شود و بی‌اختیار به مرو بازگردد. در طی گفت و گوها و مشاجراتی که با ویس داشت ویس او را از خود راند ولی بعد پشیمان شد. باری دیگر دو دل‌داده به هم رسیدند و پنهانی با هم رابطه داشتند. پس از مدتی رامین با تحریک دایه، خزانه و گنجینه شاه موبد را ربود و به دیلم رفت و با کمک سپاهیان در آنجا به تخت نشست و لشکری را آماده کرد تا به جنگ شاه موبد برود، اما در شب حمله، گرازی وحشی به خیمه‌های شاه موبد حمله کرد و شاه موبد کشته شد و بدون خون و خونریزی به پادشاهی ایران رسید و سالیان طولانی در کنار ویس زندگی کرد و

صاحب دو فرزند شدند. هنگامی که ویس درگذشت، رامین تاج پادشاهی را به فرزندش خورشید داد و خودش در دخمه ویس گوشه گیری و پارسایی گزید و سرانجام پس از سه سال او نیز درگذشت.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- ریخت شناسی داستان ویس و رامین

ریخت شناسی داستان‌ها از زیباترین و کامل‌ترین شیوه‌های نقد ادبی به شمار می‌آید (رک: قربانی، ۱۳۹۲: ۲۴۱) و داستان‌های غنایی با توجه به ساختار به‌خصوصی که دارند برای شناخت بیشتر، نیازمند بررسی‌اند.

حرکت اول: پیمان شاه موبد و شهر، پیمان شکنی شهر، لشکرکشی شاه موبد تا پیروزی

۱. صحنه آغازین (α): هر قصه معمولاً با یک صحنه آغازین شروع می‌شود؛ مثلاً اعضای خانواده‌ای نام برده می‌شوند و یا قهرمان آینده با ذکر نام و موقعیتش معرفی می‌شود. ۲. نیاز (a): یکی از افراد خانواده یا فاقد چیزی است یا آرزوی داشتن چیزی را دارد. در این قصه شاه موبد آرزوی دارد همسری زیبارو چون شهر داشته باشد. ۳. نهی (γ): شهر از شوهر دادن دخترش به کسی دیگر جز شاه موبد نهی می‌شود. ۴. نقض نهی (δ): انجام دادن کاری که از آن نهی شده بود. شهر و دخترش ویس را به ویرو می‌دهد و نقض نهی می‌کند. ۵. کسب خبر (ξ): ۶. شرارت (A¹⁹): شیریر دست به شرارت می‌زند و به ماه‌آباد لشکر می‌کشد ۷. مبارزه (H¹): بین شاه موبد و ویرو جنگ درمی‌گیرد و در فضای باز با هم مبارزه می‌کنند. ۸. غیبت (β²): یکی از شکل‌های حاد غیبت به صورت مرگ پدر و مادر نشان داده می‌شود که در اینجا، قارن پدر ویس، می‌میرد. ۹. شرارت (A¹⁹): شاه موبد باری دیگر اعلام جنگ می‌کند و لشکرکشی می‌کند. ۱۰. پیروزی (ا): در این حرکت، شیریر پیروز می‌شود. ۱۱. شرارت (A¹⁶): شیریر به زور، کسی را برای ازدواج می‌خواهد	پادشاه ثروتمندی در مرو حکومت می‌کرد که از باختر تا خاور تحت سیطره قدرت او بود و او را شاه موبد می‌خواندند. (۱) در جشنی که برای آغاز بهار تدارک دیده بود چشم موبد به زنی به نام شهر از اهالی ماه‌آباد افتاد. از او خواستگاری کرد (۲) ولی شهر به او جواب رد داد ولی با شاه پیمان بست که اگر صاحب دختری شد، او را به کسی جز شاه ندهد. (۳) بعد از سال‌ها از قضا دختری به دنیا آورد و او را ویس نام نهاد. بعد از تولد، شهر ویس را به دایه‌ای در خوزان سپرد. رامین، برادر شاه موبد نیز در خوزان نزد این دایه پرورش می‌یافت. هنگامی که ویس بزرگ شد و شهر به او گفت: من کسی را شایسته همسری تو نمی‌دانم مگر برادرت ویرو. (۴) سپس با مشورت اخترشناسان روزی را برای ازدواج آنان برگزیدند. شاه موبد از این ماجرا آگاه شد. (۵) روز عروسی؛ زرد، برادر ناتنی شاه موبد، نزد شهر آمد و نامه‌ای از شاه به شهر داد و عهد و پیمانش را به او یادآوری کرد. ویس گفت من همسر برادرم ویرو هستم و نمی‌خواهم با شاه موبد ازدواج کنم. زرد به سرعت به سمت شاه موبد رفت تا پیغامش را به او برساند. شاه بسیار عصبانی شد و به بزرگان شهرهای مختلف نامه نوشت و از آن‌ها خواست سپاهی را فراهم آورند تا به ماه‌آباد لشکرکشی کند. (۶) از سوی دیگر ویرو هم لشکری آماده کرد و جنگی سخت بین آن‌ها در گرفت. (۷) در این جنگ قارن، همسر شهر کشته شد (۸) و ابتدا ویرو پیروز شد ولی بعد از آن شاه دیلم به آن‌ها حمله کرد و ویرو به جنگ با او رفت و شاه موبد دوباره به آنجا لشکر کشید (۹) و پیروز شد. (۱۰) شاه موبد پیکری را نزد ویس فرستاد و از او خواست بیش از این خود را اذیت نکند و همسر او شود (۱۱). ویس به او گفت به آن شاه پیر بگو به عشق من دل نبندد من نمی‌خواهم با تو ازدواج کنم و علاوه بر آن تو پدرم را کشته‌ای و من تا آخر عمر عزادار پدرم هستم و کینه تو را در دل دارم. شاه با شنیدن سخنانش، علاقه‌اش به ویس بیشتر شد و با زرد و رامین مشورت کرد. رامین که از کودکی با ویس بزرگ شده بود و مهرش را در دل داشت از او خواست دست از این عشق بردارد. شاه ناراحت شد و نظر زرد را پرسید. او گفت: شهر را با بخشیدن هدایای زیاد فریب بده و به خاطر عهدشکنی، او را از خدا بترسان. پادشاه از جواب زرد خوشش آمد و در همان لحظه نامه‌ای به شهر نوشت و به او گفت: از روز قیامت بترس چون تو سوگند خورده‌ای و دختری را که برای من به دنیا آورده‌ای به کسی دیگر داده‌ای. دختری را به من بده تا دختری بانوی خراسان شود و باقی عمرمان را به شادی بگذرانیم، و همراه این نامه هدایای بسیاری را به شهر و پیشکش کرد (۱۲) شهر با
---	--

دیدن این همه هدیه از هوش رفت و با خواندن نامه از خدا ترسید (۱۳) و دخترش را به شاه موبد داد (۱۴)	۱۴. رفع مشکل (K^3): کمبود آغاز قصه التیام می یابد و شاه موبد، همسری زیبارو به دست می آورد. شاه موبد چیز مورد جستجو را با فریب و اغوا به دست می آورد.
--	--

این حرکت از نظر محتوا، از نوع اولین نمودار پراپ است؛ یعنی بسط از طریق خویشکاری $H - I$. با عهد و پیمان شهر و شاه موبد شروع می شود و با پیمان شکنی شهر و لشکرکشی شاه موبد به ماه آباد و پیروزی او و به دست آوردن ویس به پایان می رسد. در مقایسه این نمودار با نمودار پراپ، تکرار، عدم توالی و حذف برخی کارکردها مشاهده می گردد. الگوی این حرکت به صورت زیر است:

$$\alpha a \gamma \delta \xi A^{19} \beta^2 H^1 A^{19} I A^{16} \eta^1 K$$

حرکت دوم: دیدار ویس و رامین و عاشق شدن آنها

۱. انتقال مکانی (G^2): قهرمان به مکان چیزی (کسی) که در جست و جوی آن است، انتقال داده می شود. در این کارکرد رامین برای همراهی ویس به ماه آباد رفته است. قهرمان بر روی زمین یا روی دریا سفر می کند	رامین به دستور برادرش برای همراهی ویس ماه آباد رفت. (۱) آنها در راه مرو بودند که ناگهان بادی تند وزیدن گرفت و تمام پرده های کجاوه ویس کنار رفت و رامین باری دیگر چهره زیبای ویس را دید و آتش عشق او در دلش شعله ور شد. هنگامی که به مرو رسیدند تمام شهر برای ورود آنها غرق در جشن و پایکوبی بودند. شاه بسیار خوشحال بود، اما ویس غمگین بود و حرفی نمی زد. وقتی دایه از حال ویس با خبر شد به مرو آمد تا سبب آرامش او گردد. (۲) دایه به ویس گفت خودت را اذیت نکن سرنوشت تو چنین نوشته شده است. ویس در جوابش از دوری مادر و برادرش گله کرد. دایه گفت برای بستن دهان اطرافیان هم شده بر خودت مسلط شو و شاهانه بر تخت بنشین. ویس از سخنان او آرام شد و بلند شد، و پس از آن به شادی پرداخت. (۳) بعد از مدتی ویس به دایه گفت چون عزادار پدرم هستم تا یک سال نمی خواهم با موبد ارتباط داشته باشم. باید کاری کنی که او در این یک سال از من کام نخواهد. دایه قبول کرد و با نیرنگ، طلسمی فراهم کرد و مردانگی شاه را از بین برد و آن را در جایی پنهان کرد. (۴) شبی بارانی شدید گرفت و سیلی عظیم در مرو به راه افتاد و طلسم را با خود برد و این جادو ابدی شد و شاه هرگز نتوانست از ویس کام بگیرد. (۵)
۲. میانجی گری (B): میانجی گر، همان یاریگر است و به قهرمان کمک می کند. مهم ترین میانجی گر این داستان، دایه است که همواره ویس و رامین را یاری می کند.	رامین از عشق ویس بسیار عذاب می کشید و گوشه گیری اختیار کرده بود. یک روز نزد دایه رفت و ماجرا را برایش گفت ولی دایه از او خواست ویس را فراموش کند. رامین گریه و زاری کرد و از او کمک خواست. دل دایه با رامین نرم شد و گفت هر کاری که بتواند برایش انجام می دهد و تا او را به ویس برساند. به سراغ ویس رفت و با سخنوری سعی کرد او را راضی کند. (۶) صفات خوب رامین را برایش برشمرد و از خوبی های او تعریف کرد. ویس ناراحت شد و گفت: به من بی شرمی را نیاموز. دایه ماجرا را به رامین گفت، رامین باری دیگر دست به دامن دایه شد و گفت اگر از تو ناامید شوم بساط زندگی ام را از بین می برم. دایه دلش برای رامین سوخت و دوباره به نزد ویس رفت و آنقدر سخنوری کرد تا سرانجام دل ویس با او نرم شد (۷) ویس با دیدن رامین به او دل داد از دایه خواست که کسی از این راز با خبر نشود.
۳. مقابله اولیه (C): ویس با چیزی که دایه می گوید موافقت می کند.	مدتی بعد شاه موبد بار سفر بست و برای مدتی به گرگان رفت (۸). ویس و رامین با هم ملاقات کردند و با هم پیمان عشق بستند و ویس، یک دسته گل بنفشه به رامین داد و گفت از این پس هرگاه گل بنفشه دیدی من و این پیمان عشقی را که با هم بستیم به یادآور و سپس از هم کام گرفتند. (۹)
۴. شرارت (A^{11}): طلسم کردن شاه نوعی شرارت است. دریافت عامل جادویی (F): دایه به خواست ویس، جادویی را فراهم کرد و باعث شد شاه نتواند به ویس دست یابد.	۵. اولین کارکرد بخشنده (D): به خواست خداوند خواسته ویس تحقق یافت و با سحر دایه شاه هرگز نتوانست از ویس کام بگیرد.
۶. میانجی گری (B): دایه با سخنوری تلاش می کند رامین را به خواسته اش برساند.	۷. مقابله اولیه (C): ویس با نظر دایه موافقت کرد و قرار شد رامین را ملاقات کند.
۸. غیبت (β^3): رفتن به شکار و سفر نیز نوعی غیبت محسوب می شود. غیبت بزرگ ترها	۹. رفع مشکل (K): ویس و رامین که در عطش عشق می سوختند باهم ملاقات می کنند و با هم پیمان عشق می بندند.

این حرکت از نظر محتوا، از نوع چهارم نمودار پراپ است؛ یعنی بسط و گسترش، بدون هیچ یک از خویشکاری‌های $H-I$ و $M-N$. با انتقال رامین برای همراهی ویس تا مرو شروع می‌شود و با عاشق شدن رامین و کمک خواستن از دایه ادامه می‌یابد و در نهایت دایه، ویس را راضی می‌کند تا رامین را ملاقات کند و ویس هم عاشق رامین می‌شود. الگوی این حرکت به صورت زیر است:

$$G^2 \ B \ C \ A^{11} \ F \ D \ B \ C \ \beta^3 \ K$$

حرکت سوم: رفتن ویس و رامین نزد شاه و دلخوری شاه از ویس و اخراج او از مرو

۱. عزیمت(↑): قهرمان برای اجرای امر شاه عزیمت می کند. ۲. خبرگیری شریر(ε): شاه بیدار بود و به سخنان آن ها گوش می کرد. ۳. کسب خبر(ξ): شاه از عشق آن ها مطلع شد ۴. میانجی گری(B): ویرو با میانجی گری خود مانع تنبیه ویس و رامین می شود. ۵. مقابله اولیه(C): ویس تصمیم می گیرد با ویرو و شاه موبد به مقابله بپردازد. ۶. بازگشت(↓) ۷. خبرگیری شریر(ε²): شریر (شاه موبد) برای کسب خبر، سؤال می پرسد. ۸. کسب خبر(ξ¹): شریر، پاسخ سؤالش را مستقیماً دریافت می - کند. ۹. شرارت(A⁹): شریر کسی را اخراج می کند. ۱۰. واکنش قهرمان(E⁴): ویس از خوشحالی مجازاتی که شاه برایش در نظر گرفته است، اسیر و گرفتاری را آزاد می کند. ۱۱. انتقال مکانی(G): ویس به ماه آباد می رود. ۱۲. کسب خبر(ξ): شاه موبد آگاه می شود که نیت رامین برای این سفر، رفتن نزد ویس است. ۱۳. نهی(γ): رامین از دیدن ویس نهی می شود. ۱۴. میانجی گری(B³): میانجی گری و رویداد ربط - دهنده. به قهرمان اجازه داده می شود از خانه خارج شود. ۱۵. نقض نهی(δ): رامین به دیدار ویس می رود ۱۶. عزیمت(↑): رامین برای دیدن ویس، عزم ماه آباد می کند. ۱۷. رفع مشکل(K): دوری ویس و رامین به پایان رسید.	ویس و رامین مدتی را با هم بودند تا اینکه شاه، نامه ای به رامین نوشت که به ماه آباد بیا و ویس را هم با خود بیاور تا مدتی را به شکار و تفریح بگذرانیم و آن ها به سمت ماه آباد به راه افتادند.(۱) یک ماه با شاه بودند و گاهی به شکار می رفتند تا اینکه شاه از رامین خواست به موقان برود. هنگامی که شاه خوابیده بود، دایه نزد ویس آمد تا او را از رفتن رامین با خبر کند. شاه موبد بیدار بود(۲) و حرف هایش را شنید.(۳) بسیار عصبانی شد و ماجرا را برای ویرو گفت و از او خواست ویس را نصیحت کند و دایه را تنبیه کند. ویرو، ویس را نزد خود فراخواند.(۴) ویس گفت که عاشق رامین شده است. ویرو او را سرزنش کرد و او گفت شما حتی اگر بخواهید مرا بکشید من حاضرم جانم را فدای این عشق کنم.(۵) مدتی گذشت و به مرو بازگشتند.(۶) شاه با ویس به گفت و گو نشست و از او پرسید: به نظرتو مرو زیباتر است یا ماه آباد؟(۷) ویس پاسخ داد: مرو خوب باشد یا بد برای تو است. برای من هر جا رامین باشد و او را ببینم زیبا است. شاه بسیار ناراحت شد(۸) و به ویس گفت: به هر کدام از این سه جا که می خواهی برو: یکی گرگان و دیگری دماوند و سومی همدان و نهاوند است. فقط از مرو خارج شو. (۹) ویس بسیار خوشحال شد و از او تشکر کرد و به شکرانه این کار پادشاه، برده های زیادی را آزاد کرد(۱۰) و هدایای زیادی به مردم بخشید. هنگام رفتن ویس همه اطرافیان شاه غمگین بودند.(۱۱) مخصوصاً رامین که بسیار گریه و زاری کرد، بیمار شد. بعد از مدتی، نزد شاه رفت و خواست که اجازه دهد برای شکار به کوهستان برود. شاه از نیت رامین آگاه شد(۱۲) و گفت می دانم می خواهی به ملاقات ویس بروی. تو نباید او را ببینی. (۱۳) اگر به دیدار او بروی آتشی بر می افروزم و تو و ویس را در آن می سوزانم. رامین سوگند خورد که چنین قصدی ندارد اما همینکه شاه اجازه داد(۱۴) قسمش را شکست (۱۵) و به سمت ماه آباد به راه افتاد(۱۶) ویس نیز در ماه آباد دل از مادر و برادر برگرفته بود و منتظر آمدن رامین بود. وقتی رامین به آنجا رسید یکدیگر را در آغوش گرفتند و مدت هفت ماه با هم بودند.(۱۷)
---	--

این حرکت از نظر محتوای از نوع چهارم نمودار پراپ است و هیچ یک از خویشکامی های جنگ و انجام کار دشوار (H - I و M - N) را ندارد. با رفتن ویس و رامین به ماه آباد آغاز می شود و با آگاه شدن شاه، از عشق آن ها و اخراج ویس از مرو و فرستادن او به ماه آباد و ملاقات پنهانی ویس و رامین در ماه آباد پایان می یابد. الگوی این حرکت به این صورت است:

$$\uparrow \varepsilon \xi B C \downarrow \varepsilon^2 \xi^1 A^9 E^4 G \xi \gamma B^3 \delta \uparrow K$$

حرکت چهارم: رابطه پنهانی در ماه آباد، فرار به ری و فریب دادن شاه.

۱. کسب خبر (ξ): شاه موبد از رفتن رامین به ماه آباد آگاه می‌ش ۲. فریبکاری (η): مادر سعی می‌کند شاه را با فریب دادن آرام کند. ۳. شرارت (A): شاه فرمان لشکرکشی به ماه آباد را می‌دهد ۴. رفع مشکل (K): شاه دست از شرارت برداشت. ۵. فریبکاری (η): شاه با سخنوری، ویس را راضی می‌کند تا با گذر از آتش، بی‌گناهی‌اش را ثابت کند. ۶. اولین کارکرد بخشنده (D^1) آزمودن ویس برای اثبات حقیقت ۷. کار دشوار (M): شاه موبد از ویس می‌خواهد از آتش بگذرد و او قبول می‌کند. ۸. نجات (Rs^9): قهرمان فرار می‌کند و خود را از خطر مرگ نجات می‌دهد. ۹. انتقال مکانی (G^2): قهرمان بر روی زمین یا دریا سفر می‌کند ۱۰. واکنش قهرمان (E^7): قهرمان کارها و خدمات دیگری انجام می‌دهد. ۱۱. کسب خبر (ξ): با فرار ویس و رامین، شاه از خیانت آن‌ها باخبر شد ۱۲. تعقیب (Pr): تعقیب کننده به دنبال قهرمان می‌رود ۱۳. غیبت (β^3): غیبت اعضای جوان خانواده که ویس و رامین هستند. ۱۴. کسب خبر (ξ^1): شاه از طریق مادرش از ویس و رامین اطلاعاتی به دست می‌آورد. ۱۵. بازگشت (↓) ۱۶. میانجی‌گری (B): دایه به جای ویس به بستر شاه موبد می‌رود. ۱۷. خبرگیری شریر (E^1): شاه موبد برای کسب خبر سؤالاتی می‌پرسد.	بعد از گذشت هفت ماه شاه موبد باخبر شد که رامین در ماه آباد است (۱) نزد مادرش رفت و از ویس و رامین گلایه کرد و گفت من رامین را می‌کشم. مادرش گفت: رامین، تنها جانشین توست. به جای کشتن او از ویس دل یکن. رامین در این مدت مهمان ویرو بوده و ویس او را فراموش کرده و دل به ویرو داده است. (۲) شاه حرف‌های مادرش را باور کرد. نامه‌ای به ویرو نوشت و او را به جنگ تهدید کرد و همزمان فرمان لشکرکشی داد. (۳) نامه شاه به ویرو رسید، به محض خواندن نامه به شاه، نامه‌ای نوشت که: دلیل این کینه‌جویی تو چیست؟ همسر تو خواهر من است و همنشینی من با او ایرادی ندارد پس به من تهمت زن. وقتی شاه موبد نامه ویرو را خواند، پشیمان شد و پیکی نزد ویرو فرستاد که خودت را برای میزبانی آماده کن که به مدت یک ماه مهمان تو می‌شوم. (۴) شاه موبد به ماه آباد رفت و بعد از یک ماه به مرو بازگشتند. یک روز به ویس گفت: اگر رامین را نمی‌خواستی، پس چرا منتظرش بودی؟ ویس گفت: از خدا بترس و به من تهمت زن. شاه گفت: اگر سوگند بخوری من باور می‌کنم. (۵) ویس پذیرفت. موبد گفت پس آتشی می‌افروزم به آن سوگند بخور و پاکی خود را ثابت کن (۶) تا تو را به بالاترین مقام برسانم و ویس گفت: چنین کن (۷). از آتشگاه، کمی آتش آوردند و در میدان، آتشی چون کوه روشن کردند. ویس به رامین گفت: شاه، مرا فریب داد و اکنون چنین آتشی برافروخته است و ما را در آن می‌سوزاند. آن‌ها تصمیم گرفتند تا شاه آن‌ها را فرا نخوانده است فرار کنند. (۸) به سرعت عازم ری شدند. (۹) نزد دوست رامین، بهروز رفتند. رامین از او خواست، کسی از حضور آن‌ها باخبر نشود. (۱۰) خیانت آن‌ها برای شاه آشکار شد. (۱۱) به زرد دستور داد که همه جا را به دنبال آن‌ها بگردد. (۱۲) ولی در هیچ جایی از ایران، توران، روم و هند اثری از آن‌ها پیدا نکرد. (۱۳) تصمیم گرفت به مرو بازگردد. رامین نامه‌ای به مادرش نوشت و از برادرش گله کرد. مدتی که گذشت مادرش نزد شاه رفت و به او گفت چرا خودت را عذاب می‌دهی؟ شاه گفت: همسر من وفادار نماند. اگر یک بار دیگر او را ببینم گناه گذشته او و رامین را می‌بخشم و با آن‌ها به خوشی زندگی می‌کنم و مادرش جای آن‌ها را به شاه گفت (۱۴). نامه‌ای به رامین نوشت و ماجرا را برایش گفت. رامین شاد شد و همراه با کاروانی به سمت مرو به راه افتادند. (۱۵) شب هنگام، دایه نزد ویس آمد و از آشفتگی رامین برایش گفت. ویس به او گفت شاه مست است و از دایه خواست به بستر او برود (۱۶) تا شاه از نبودش آگاه نشود و خودش به سمت معشوقش رفت. وقتی شاه از مستی درآمد ویس در کنارش نبود به همبستر خود دست زد و فهمید که ویس نیست و پرسید تو کیستی؟ (۱۷) دایه جوابی نداد. رامین، ویس را باخبر کرد. ویس فوراً به تخت خود بازگشت و به
---	---

۱۸. فریبکاری (η): ویس و دایه، شاه موبد را فریب دادند. ۱۹. رفع مشکل (K) و بازگشت قصه به وضعیت متعادل	شاه گفت از بس این دستم را فشردی دستم درد گرفت شاه تا صدای همسرش را شنید دست دایه را رها کرد و دست ویس را گرفت. وقتی دایه رفت ویس گفت: من چه کنم که حتی وقتی راه کج نمی‌روم هم تو به من بدگمانی. (۱۸) و شاه از او معذرت خواهی کرد. (۱۹)
--	---

این حرکت از نوع چهارم نمودار پراپ است بنا براین بدون خویشکاری‌های $H-I$ و $M-N$ بسط می‌یابد. این حرکت با آگاه شدن شاه از رفتن رامین به ماه‌آباد آغاز می‌شود و ویس و رامین را به مرو باز می‌گرداند. از ویس می‌خواهد برای اثبات پاکی‌اش از آتش عبور کند و او می‌پذیرد ولی در روز موعود با رامین فرار می‌کند و به ری می‌رود و در نهایت با میانجی‌گری مادر، شاه آن‌ها را می‌بخشد و به مرو برمی‌گردند. نمودار این حرکت به این صورت است:

$$\xi \eta A K \eta D^1 M R s^9 G^2 E^7 \xi Pr \beta^3 \xi^1 \downarrow B \varepsilon^1 \eta K$$

حرکت پنجم: مبارزه با قیصر روم، بردن ویس به دز اشکفت

۱. شرارت (A^{19}): شریر اعلان جنگ می دهد. اینجا قیصر روم شریر است و به ایران حمله کرده است. ۲. شرارت (A^{15}): شریر کسی را زندانی می کند. ۳. نهی (γ): زرد نباید اجازه دهد ویس و رامین یکدیگر را ببینند. ۴. غیبت (β^3): رفتن به جنگ و مبارزه (H): غیبت بزرگترها. شاه موبد برای رفتن به جنگ غیبت می کند. ۵. بازگشت ($\downarrow$): رامین به محل زندگی اش بازگشت. ۶. دریافت عامل جادویی (F): رامین با کمک سحر و جادو از جای ویس آگاه می شود. ۷. عزیمت ($\uparrow$): رامین برای یافتن ویس به سمت دز اشکفت می رود. ۸. میانجی گری (B): دایه به قهرمان و شاهزاده خانم کمک می کند. ۹. نقض نهی (δ): ویس و رامین یکدیگر را ملاقات کردند. ۱۰. پیروزی (I): پیروزی شاه موبد ۱۱. کسب خبر (ξ^1): شاه موبد از طریق زرین گیس از ملاقات ویس با رامین آگاه شد. ۱۲. میانجی گری (B): دایه با آگاهی از حضور شاه، رامین را فراری داد. ۱۳. شرارت (A^6): شریر، صدمات جسمانی وارد می کند ۱۴. میانجی گری (B): در این جا، زرد میانجی گری کرد تا شاه، رامین را ببخشد. ۱۵. رفع مشکل (K^{10}) و بازگشت تعادل به قصه.	مدتی بعد به شاه موبد خبر رسید که قیصر روم به ایران لشکر کشی کرده (۱) شاه تصمیم گرفت با او بجنگد. هنگام حرکت یاد ویس و رامین افتاد. زرد را فراخواند و به او گفت: اگر ویس تنها بماند هر کاری می کند تا رامین را ببیند. چاره این کار فقط این است که رامین را با خود ببرم و ویس را در دز اشکفت در بند کنم (۲) و تو محافظ دز باشی. زرد به او اطمینان خاطر داد که از دز به خوبی محافظت کند و اجازه ندهد رامین او را ببیند (۳) سپس شاه به جنگ رفت و رامین را نیز با خود برد (۴). رامین از درد فراق بیمار شد. بزرگان نزد شاه رفتند و او را از وضعیت رامین آگاه ساختند و از شاه خواستند اجازه دهد در گرگان بماند تا بهتر شود. شاه اجازه داد و چون آن ها رفتند، رامین بر بیماری غلبه کرد و برای دیدن یار به سمت خراسان به راه افتاد (۵). رامین رسید و ویس را در شبستان ندید. با کمک و جادوی زرین گیس متوجه شد که ویس را به دز اشکفت برده اند (۶) شبانه به آنجا رفت (۷) تیری را پیک خود قرار داد و آن را در کمان گذاشت و به داخل دز پرت کرد. دایه فوراً آن را برداشت و نزد ویس برد و گفت برو در کنار دیوار، آتشی روشن کن تا شب تاریک را برای رامین روشن کنی و او بفهمد که ما دقیقاً کجا هستیم (۸). رامین، به کنار دیوار رفت. ویس، چهل پارچه ابریشمی را محکم به هم بست و پایین انداخت و رامین به کمک آن از دیوار بالا رفت و به معشوقش رسید (۹). شاه موبد در جنگ پیروز شد (۱۰) و به مرو بازگشت. وقتی سخن زرین گیس را درباره ویس و رامین شنید (۱۱) بسیار خشمگین شد و به سرعت به سمت دز اشکفت رفت. کلیدها را برداشت تا به داخل برود. دایه با شنیدن صدای زنگ درها متوجه آمدن آن ها شد و ویس رامین را با خبر کرد (۱۲) رامین با کمک ویس و دایه از دیوار پایین رفت. شاه آمد و ویس و دایه را در حد مرگ تازیانه زد و در همان جا زندانی کرد (۱۳) و خودش به مرو رفت. شهر، نزد او رفت و گفت: چرا دخترم همراه تو نیست؟ شاه گفت او را کشته ام. شهر، بسیار گریه و زاری کرد و شاه را تهدید کرد که انتقام او را می گیرد، شاه به زرد دستور داد که ویس را به قصر بازگرداند. رامین هم به مدت یک ماه در خانه زرد متواری بود. زرد، درباره او با شاه حرف زد (۱۴) تا در نهایت شاه او را بخشید و باری دیگر شادی در مرو جریان یافت (۱۵)
--	---

این حرکت از نظر محتوا، از نوع اول نمودار پراپ است، یعنی بسط و گسترش از طریق خویشکاری $I - H$. با لشکرکشی قیصر روم آغاز می شود که شاه موبد به جنگ با او می رود و ویس را در دز اشکفت زندانی می کند (این حرکت با دو شرارت آغاز می شود) و رامین را با خود می برد اما در نیمه راه، رامین به بهانه بیماری از آن ها جدا می شود و نزد ویس می رود و با پیروزی شاه موبد در جنگ و آگاه شدن او از دیدار ویس و رامین و در نهایت بخشش آن ها تمام می شود. الگوی این حرکت به این صورت است:

$$A^{19} A^{15} \gamma \beta^3 H \downarrow F \uparrow B \delta \mid \xi^1 B A^6 B K^{10}$$

حرکت ششم: رفتن شاه به زاول و اعتماد به دایه، به گوراب رفتن رامین و ازدواج با گل

۱. نهی (۷): شاه به دایه دستور می دهد مانع دیدار ویس و رامین شود. ۲. نقض نهی (۸): با وجود وفاداری دایه به شاه، رامین و ویس با هم ملاقات می کنند. ۳. شرارت (A^6): شریر صدمات جسمانی وارد می کند ۴. تعقیب (Pr): تعقیب کننده به دنبال قهرمان می گردد. ۵. نجات (RS^4): قهرمان فرار می کند و خود را مخفی می کند ۶. فریبکاری (n): ویس سعی دارد شاه موبد را فریب دهد. ۷. خبرگیری شریر (E): شریر برای کسب خبر می خواهد قهرمان را بیازماید و از او سؤال می پرسد ۸. کسب خبر (ξ^1): شاه به طور مستقیم جواب خود را می گیرد. ۹. میانجی گری (B^3): شاه به قهرمان اجازه می دهد که منزل را ترک کند و به سفر برود. ۱۰. انتقال مکانی (G^2): قهرمان بر روی زمین یا روی دریا سفر می کند. ۱۱. اولین کارکرد بخشنده (D): گل حاضر شد به شرط فراموش کردن ویس با رامین ازدواج کند. ۱۲. کسب خبر (ξ): شاه از ازدواج رامین آگاه شد. ۱۳. میانجی گری (B): دایه باری دیگر تلاش می کند تا به ویس کمک کند.	شاه قصد داشت به زاولستان سفر کند. همه درها را قفل کرد و کلید آن را به دایه داد و از او خواست یکبار امانت داری کند تا ویس و رامین یکدیگر را نبینند (۱) و دایه پذیرفت. رامین شبانه از شاه جدا شد و به مرو بازگشت ولی همه درها را بسته یافت. ویس از دایه خواست درها را باز کند اما دایه قبول نکرد و او از سراپرده به بام رفت و از آنجا به باغ رفت و رامین را پیدا کرد. (۲) شاه وقتی از رفتن رامین آگاه شد به قصر بازگشت و تمام درها را بسته یافت و سراغ ویس را از دایه گرفت و با تازیانه آنقدر دایه را زد تا بی هوش شد. (۳) همه جا را دنبال آن ها گشت (۴) و فهمید که ویس چگونه از قصر خارج شده است. به باغ رفت. ویس، رامین را بیدار کرد تا فرار کند. ویس را پیدا کردند ولی خبری از رامین نبود. (۵) ویس گفت: من خواب بودم که جوانی سبزپوش (سروش الهی) آمد و مرا به باغ برد. شاه باور کرد و از او معذرت خواهی کرد. (۶) مدتی بعد، جشنی برپا کردند که در آن، رامشگری از گوسان سرود می خواند و ابتدا به صورت پوشیده و سپس آشکارا به رابطه ویس و رامین اشاره کرد و شاه از رامین خواست که سوگند بخورد که با ویس پیوندی ندارد، (۷) اما رامین گفت: سوگند می خورم که تا زنده هستم عاشق ویس خواهم بود و خشم شاه را برانگیخت. (۸) روز بعد یکی از اخترشناسان به نام به گوی که از دوستان رامین بود او را سرزنش کرد و گفت: تو قرار است شاه شوی، آنگاه به هرچه بخواهی می رسی فقط باید کمی صبر کنی و تا آن زمان به ویس نزدیک نشوی تا شاه با تو دشمنی نکند. رامین پذیرفت و نامه ای به شاه نوشت و گفت می خواهم مدتی از اینجا دور شوم تا حالم بهتر شود. شاه خوشحال شد و پذیرفت. (۹) سپس به قصر رفت و با ویس خداحافظی کرد و رامین راهی گوراب شد. (۱۰) یک روز که از صحرا برمی گشت، گل، دختر رفیدا را دید و عاشق او شد و از او خواستگاری کرد و گل گفت به شرطی می پذیرم که ویس را فراموش کنی (۱۱) و رامین پذیرفت و با گل ازدواج کرد. یک ماه پس از عروسی، نامه ای به ویس نوشت و گفت با گل ازدواج کرده و با او عهد بسته که تا آخر عمر به او وفادار باشد. نامه ابتدا به دست شاه رسید. (۱۲) او ویس را از ماجرا مطلع کرد. شاه که رفت ویس گریه کنان نزد دایه رفت و بیمار شد و و از او خواست چاره ای بیندیشد دایه به او گفت به گوراب می روم و با رامین صحبت می کنم تا تو را از این غم برهانم. (۱۳) به گوراب رفت ولی رامین او را ناامید کرد. ویس ده نامه ای برایش نوشت و از او خواست بازگردد و نامه را به آذین داد تا به رامین برساند. مدتی پس از ازدواج با گل، روزی یکی از یاران رامین دسته گلی از گل های بنفشه به او داد و او یاد پیمانش با ویس افتاد و
--	--

۱۴. کسب خبر(ξ): رفیدا از عشق رامین به ویس باخبر شد. ۱۵. بازگشت (↓): رامین برای رسیدن به ویس راه مرو را در پیش گرفت ۱۶. رانده شدن ۱۷. پشیمانی ۱۸. رانده شدن ۱۹. پشیمانی ۲۰. رفع مشکل (K) و آشتی کردن	خودش را نفرین کرد. در این هنگام رفیدا که او را زیر نظر داشت و مراقبش بود حرف های او را شنید (۱۴) رفیدا، نزد گل رفت و قضیه را برایش گفت و از او خواست فراموشش کند. رامین در نهایت تصمیم گرفت به مرو بازگردد. سوار اسبش شد و راه خراسان درپیش گرفت. (۱۵) در راه، آذین را دید. آذین نامه را به او داد. با خواندن نامه، فوراً نامه ای به ویس نوشت و گفت به مرو می آید. ویس وقتی نامه را خواند بسیار خوشحال شد. بالأخره رامین رسید. ویس به روزن رفت و با اسب رامین به گلایه سخن گفت. هرچه رامین از او معذرت خواهی کرد و او به تندی جوابش را داد و او را سرزنش کرد. (۱۶) رامین ناامید شد و راه برگشت در پیش گرفت. ویس پشیمان شد و دایه را به دنبال او فرستاد (۱۷) این بار رامین او را از خود راند (۱۸) و آن ها ناامید شده و برگشتند و رامین که پشیمان شده بود به دنبال آن ها رفت (۱۹) و در نهایت آشتی کردند و به قصر رفتند و یک ماه پنهانی با هم بودند. (۲۰) پس از آن رامین گفت من باید زودتر خودم را به شاه نشان دهم تا راز ما بر او آشکار نشود. پنهانی از قصر خارج شد و روز بعد دوباره به مرو آمد. نزد شاه رفت و گزارشی از سفرش به او داد.
--	---

این حرکت از نظر محتوا، از نوع چهارم نمودار پراپ است، یعنی بسط و گسترش بدون خویشکاری های $H - I$ و $M - N$. با اعتماد شاه به دایه و حرکت او به سمت زاول آغاز می شود و با آگاه شدن شاه از رابطه ویس و رامین و رفتن رامین به گوراب و ازدواج با گل و پشیمان شدن او و بازگشت به مرو پایان می پذیرد. الگوی این حرکت به این صورت است: $K \downarrow \xi B \xi D G^2 B^3 \xi^1 \epsilon \eta R s^4 \Pr A^6 \delta \gamma$

حرکت هفتم: رفتن شاه به شکار، کشتن زرد و حمله گراز و مرگ شاه و ازدواج عشاق

۱. غیبت (β^3): غیبت بزرگترها. شاه موبد برای رفتن به شکار مرو را ترک می کند. ۲. انتقال مکانی (G) ۳. کار دشوار (M) ۴. تغییر شکل (T^2): قهرمان، شکل و ظاهری جدید پیدا می کند. ۵. شناخته شدن (Q): زرد، رامین را شناخت ۶. مجازات شریر (U): زرد که در طول داستان با شاه موبد همکاری می کرد و مانعی بر سر راه ویس و رامین بود مجازات شد. ۷. انجام کار دشوار (N) ۸. میانجی گری (B): حاکمان شهرهای مختلف به یاری قهرمان پرداختند. ۹. کسب خبر (ξ): شاه از کار رامین آگاه شد. ۱۰. شرارت (A^{19}) ۱۱. اولین کارکرد بخشنده (D): به خواست خداوند گراز وحشی به لشکر شاه موبد حمله کرد. ۱۲. مجازات شریر (U): شاه موبد مجازات می شود. ۱۳. واکنش قهرمان (E): قهرمان در برابر یاری خداوند شکرگزاری می کند. ۱۴. پیروزی (I^5): شریر بدون جنگ و خونریزی کشته می شود و قهرمان پیروز می شود. ۱۵. عروسی و نشستن بر تخت پادشاهی (W^*) * ۱۷. مرگ	وقتی فصل بهار شد پادشاه تصمیم گرفت به شکار برود. (۱) ویس با شنیدن این خبر خیلی ناراحت شد چون می دانست او رامین را با خود می برد. دایه را به سراغ رامین فرستاد و ماجرا را برایش گفت. رامین گفت: من درد پاهایم را بهانه می کنم و نمی روم. شاه بهانه رامین را نپذیرفت و از او خواست با او همراه شود و رامین خداحافظی نکرده مجبور شد که از ویس جدا شود (۲) و ویس در فراق او بسیار گریست و از دایه چاره ای خواست. دایه گفت به رامین نامه ای بنویس و از او بخواه به مرو برگردد تا سپاهی فراهم آورده و با برکناری شاه، خودش بر تخت بنشیند. (۳) رامین به محض خواندن نامه، شبانه با همراهانش به مرو آمد. پیکری را نزد ویس فرستاد. فرستاده رامین در جامه زنان وارد قصر شد و پیغام را رساند. ویس یک نفر را به سراغ زرد فرستاد و گفت در خواب دیده که برای ویرو مشکلی پیش آمده و بعد مشککش حل شده است. می خواهم به آتشکده بروم و برایش دعا کنم. زرد پذیرفت و ویس با همراهانش به راه افتاد و نزد رامین رفت. رامین و چهل مرد جنگی، جامه زنان پوشیدند و با او همراه شدند و به کهندز رفتند. (۴) در این هنگام زرد با صدای آن ها از خواب بیدار شد و رامین نقاب از چهره برداشت. زرد او را شناخت. (۵) با زرد درگیر شد و او را کشت (۶) و همه اموال شاه را برداشت و به دیلم رفت (۷) و در آنجا به تخت نشست. بزرگان شهرهای مختلف لشکرهای خود را به کمک او فرستادند (۸). در یک ماه سپاهی بزرگ فراهم کرد. لشکریان شاه از آگاه شدن وی به دلیل کینه ای که داشتند به شاه خبر ندادند. بالاخره شاه با خبر شد (۹) و تصمیم گرفت با رامین بجنگد (۱۰). سپاهش را به آمل برد. شبی در لشکرگاه، با بزرگان جمع شده بودند که ناگهان گرازی وحشی به آن ها حمله کرد و از فریاد سپاهیان به لشکرگاه شاه وارد شد. (۱۱) شاه موبد سوار بر اسب از سراپرده خارج شد. گراز با اسب او درگیر شد و اسب را کشت و شاه موبد را به زمین افکند و سپس به شاه حمله کرد و جان او را نیز گرفت. (۱۲) وقتی رامین از مرگ شاه موبد با خبر شد مدتی به سوگ او نشست و سپس خدا را شکر کرد که راه را برایش هموار ساخت (۱۳) و بدون جنگ و خونریزی آن ها را پیروز کرد (۱۴) و بعد دستور حرکت به سوی مرو را داد. رامین بر تخت نشست و با ویس ازدواج کرد و صاحب دو فرزند شدند (۱۵) که آن ها را جمشید و خورشید نامیدند. هشتاد و یک سال با هم زندگی کردند که ویس از دنیا رفت. رامین تاج و تختش را به پسرش سپرد و خودش عزلت پیشه کرد و پس از سه سال درگذشت و در کنار ویس به خاک سپرده شد. (۱۷)
---	---

این حرکت از نظر محتوا، از نوع سوم نمودار پراپ است، یعنی بسط از طریق دو خویشکاری $M - N$ و $H - I$ است. قهرمان داستان با اینکه قصد مبارزه داشت ولی بدون جنگ پیروز شد. این حرکت با رفتن شاه و رامین به شکار آغاز شد و با بازگشت رامین به مرو و کشتن

زرد و بردن گنج شاه و قصد حمله به شاه ادامه یافت و در نهایت با حمله گراز به لشکرگاه شاه و کشته شدن او و به تخت نشستن رامین و ازدواجش با ویس و زندگی طولانی در کنار او پایان یافت. الگوی این حرکت به این صورت است:

$$\beta^3 G \ M \ T^2 \ Q \ U \ N \ B \ \xi \ A^{19} \ D \ U \ E \ I^5 \ W$$

۲-۱-۴- نقش مایه‌ها یا شخصیت‌های داستان ویس و رامین

پراپ، وجود هفت شخصیت را در قصه اثبات می‌کند: قهرمان، شاهزاده خانم، بخشنده، اعزام کننده، قهرمان دروغین، یاری‌رسان، شریر. گاهی، خواسته‌ها و نیت‌های شخصیت‌ها در روند عملیات تأثیر ندارد، بلکه کردار و رفتار آن‌ها ارزیابی و تعریف می‌شود. «پراپ، حوزه عملیات توضیح شده در میان شخصیت‌ها را در سه رابطه خلاصه می‌کند: ۱- حوزه عملکردها، متناسب با خود شخصیت و خواست اوست. ۲- یک شخصیت، خواه‌ناخواه در حوزه عملکرد دیگری شرکت می‌کند. ۳- چند شخصیت در یک حوزه عملیاتی فعالیت می‌کنند» (خدیش، ۱۳۸۷: ۵۳). در داستان ویس و رامین نیز مطابق نظریه پراپ هفت شخصیت وجود دارد:

رامین	قهرمان، دلاور، جست و جو گر
ویس	شخص مورد جستجو (شاهزاده خانم)
خداوند	بخشنده
شاه موبد	اعزام کننده
گل	قهرمان دروغین
شاه موبد، زرد.	تبهکار (شریر)
دایه، ویرو، آذین، بهروز، رهام، گیلو، گراز، کشمیر، مادر رامین	یاری رسان

۴- نتیجه

ریخت شناسی بررسی ساختاری اثر ادبی است که ولادیمیر پراپ با التفات به رهیافت‌های شکل‌گرایانه، آن را ارائه کرد و با تحلیل صد افسانه جادویی روسی، نمونه‌ای عملی از آن به دست داد. اگرچه از طرف نظریه پردازان، تغییرات و اصلاحاتی برای دقیق‌تر و جامع‌تر شدن روش پراپ ارائه شد، الگوی او مهم‌ترین و بنیادی‌ترین شیوه بررسی قصه‌ها است. در این مقاله سعی شد به الگوی پراپ و نظریه ریخت شناسی او در داستان عاشقانه «ویس و رامین»، توجه شود تا مشخص شود این گونه داستان‌ها چقدر با الگوی ریخت‌شناسی پراپ مطابقت دارند و این داستان در هفت حرکت مورد بررسی قرار گرفت که در هر کدام از آن‌ها با عدم توالی کارکردها و حذف یا تکرار بعضی از خویشکاری‌ها مواجه شدیم، بنابراین ترکیبی که پراپ در الگویش مطرح کرده است به طور کامل در حرکت‌های داستان، رعایت نشده است. اما نکته مهمی که به آن دست یافتیم این است که در بررسی انجام شده در هفت حرکت موجود در داستان با وجود تفاوت‌هایی که با الگوی پراپ داشت، مجموعاً ۲۷ خویشکاری از ۳۱ خویشکاری پراپ وجود داشت و این نشان دهنده‌ی این امر است که الگوی ریخت شناسی پراپ، بر داستان عاشقانه ویس و رامین منطبق است.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۲). *ساختار و تأویل متن*، تهران: مرکز.
- استاجی، ابراهیم؛ رمشکی، سعید. (۱۳۹۲). «*تحلیل و ریخت شناسی داستان سیاوش براساس نظریه ولادیمیر پراپ*»، *متن شناسی ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، سال پنجم دوره جدید، شماره ۳، صص ۳۷-۵۲.
- اشرفی، بتول؛ بهنام فر، محمد؛ تاک، گیتی. (۱۳۹۳). «*بررسی خویشتکاری‌ها و شخصیت‌پردازی در داستان حضرت سلیمان در قرآن کریم براساس نظر پراپ*»، *زبان و ادب فارسی* (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، شماره ۲۳۰، صص ۴۷-۲۵.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). *ریخت شناسی قصه های پریان*، ترجمه فریدون بدره ای، چاپ دوم، تهران: توس.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۹). «*ریخت شناسی افسانه های عاشقانه گل بکاولی*»، *فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، شماره ۱، صص ۴۹-۶۲.
- _____ (۱۳۹۴). *یکصد منظومه عاشقانه فارسی*، تهران: چرخ.
- خراسانی، محبوبه. (۱۳۸۳). «*ریخت شناسی هزار و یک شب*»، *پژوهش های ادبی*، شماره ۶.
- خدیش، پگاه؛ حق شناس، علی محمد. (۱۳۸۷). «*یافته های نو در ریخت شناسی افسانه های جادویی*»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۸۶.
- روحانی، مسعود؛ عنایتی قادیلایی، محمد. (۱۳۸۸). «*بررسی ریخت شناسی داستان بیژن و منیژه شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه پراپ*»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال هفدهم، شماره ۶۶، صص ۱۴۳-۱۱۹.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۹۰). *تاریخ ادبیات ایران*، جلد اول، چاپ ۲۸، تهران: ققنوس.
- عدل پرور، لیلا؛ فرضی، حمید رضا؛ دهقان، علی. (۱۳۹۵). «*خویشتکاری های منظومه های همای و همایون بر اساس نظریه پراپ*»، *فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*، شماره ۷، صص ۷۷-۵۱.
- عوفی، محمد. (۱۳۳۵). *لباب الالباب (به کوشش سعید نفیسی)*، تهران: کتابخانه ابن سینا
- فخیمی فاریابی، فرناز؛ فرضی، حمید رضا. (۱۳۹۶). «*ریخت شناسی منظومه گل و نوروز خواجهی کرمانی براساس نظریه ولادیمیر پراپ*»، *فنون ادبی*، سال نهم، شماره ۲، صص ۱۳۲-۱۱۹.
- قافله باشی، سید اسماعیل؛ بهروز، سیده زیبا. (۱۳۸۶). «*نقد ریخت شناسی حکایت های کشف المحجوب و تذکره الاولیا*»، *فصلنامه پژوهش های ادبی*، سال پنجم، شماره ۱۸.
- قربانی، خاور؛ گورک، کیوان. (۱۳۹۲). «*ریخت شناسی داستان زال و رودابه، بهرام گور و اسپینود، گشتاسب و کتایون*»، *پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال یازدهم، شماره ۲۰، صص ۲۵۴-۲۳۹.
- گرچی، مصطفی؛ ابومحبوب، احمد؛ فلاح، نادعلی. (۱۳۹۶). «*ریخت شناسی منظومه امیر و گوهر براساس نظریه ولادیمیر پراپ*»، *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۵، ش ۱۶، صص ۱۳۵-۱۱۳.
- گرگانی، فخرالدین اسعد. (۱۳۸۱). *ویس و رامین*، تصحیح محمد روشن، چاپ ۲، تهران: صدای معاصر
- گلدمن، لوسین. (۱۳۶۹). *نقد تکوینی*، ترجمه محمد تقی غیائی، چاپ چهارم، تهران: بزرگ مهر.
- مختاری، مسروره. (۱۳۹۶). «*آسیب شناسی نظریه روایت؛ مطالعه موردی: نظریه ریخت شناسی ولادیمیر پراپ*»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال هفدهم، شماره ۷، صص ۱۹۷-۱۸۳.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده (به کوشش عبدالحسین نوایی)*، تهران: امیر کبیر
- ناصری، فرشته. (۱۳۹۵). «*تحلیل ریخت شناسی منظومه لیلی و مجنون نظامی براساس الگوهای ریخت شناسی پراپ*»، *فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۲۸، صص ۱۹۸-۱۶۷.
- والاس، مارتین. (۱۳۹۱). *نظریه های روایت*، ترجمه محمد شهباء، تهران: هرمس.
- هارلند، ریچارد. (۱۳۸۸). *درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت*، ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش، تهران: چشمه.